

چرا مردان و زنان این همه متفاوتند؟

یک دیدگاه شایع به خصوص در دهه 1980 این بود که پسرها و دخترها هنگام تولد از لحاظ شناختی مشابه یکدیگر هستند، و شیوه برخورد والدین و جامعه با آنها است که باعث ایجاد تفاوت میان آنها می‌شود.



همشهری آنلاین: یک دیدگاه شایع به خصوص در دهه 1980 این بود که پسرها و دخترها هنگام تولد از لحاظ شناختی مشابه یکدیگر هستند، و شیوه برخورد والدین و جامعه با آنها است که باعث ایجاد تفاوت میان آنها می‌شود.

از آن هنگام به بعد اغلب پژوهش‌ها این باور را با تردید مواجه کرده است. اکثریت روانشناسان در حال حاضر توافق دارند که برخی از تفاوت‌های بروز داده شده بوسیله مغزهای مذکر و مونث ذاتی هستند.

دیان هلیپن، استاد روانشناسی در کالج کلرمون مک کنا در کالیفرنیا که 25 سال است درباره تفاوت‌های شناختی ناشی از جنسیت به تحقیق پرداخته است، می‌گوید: "درست است که ما پسران و دختران‌مان را به شیوه متفاوتی اجتماعی می‌کنیم، اما اثر زیست‌شناسی را هم نمی‌شود نادیده گرفت."

به گفته او در حال حاضر آنچه در کانون مباحث داغ قرار دارد، نه تاثیر داشتن یا نداشتن زیست‌شناسی، بلکه میزان تاثیر آن است.

تفاوت‌های ثابت‌شده

باور عمومی به تفاوت‌های جنسیتی بسیاری قائل است که درباره برخی از آنها شواهد علمی بیشتری به دست آمده است.

تفاوت میان طول عمر مذکر و مونث (طول عمر بیشتر زنان از مردان) یکی از تفاوت‌هایی است که در فرهنگ‌های گوناگون و حتی در میان گونه‌های گوناگون مداوماً (اما نه قطعاً) مشاهده می‌شود؛ این تفاوت تا حدی زمینه زیست‌شناختی دارد.

یک تفاوت دیگر مشاهده شده در میان گروه‌های سنی، گونه‌ها و ملل بهتر بودن مهارت‌های فضایی گوناگون در مذکرها است.

برای مثال برتری مذکرها در چرخاندن اشیاء در ذهن‌شان، تفاوتی بسیار زیاد که در بررسی‌ها در 35 سال اخیر مطمئناً آن را نشان داده‌اند، در یک تحقیق اخیر بر روی نوزادانی در سنین پایین حتی تا سه ماه ثابت شده است.

به همین ترتیب، افراد مذکر در فرهنگ‌ها و گونه‌های گوناگون به طور میانگین در سنجش سوگیری زاویه و راهیابی بر اساس چهار جهت اصلی برتری دارند.

از طرف دیگر، افراد مونث در سیالیت کلامی بیشتر و حافظه قوی‌تری برای اشیاء دارند؛ به این معنا به گفته هلیپن "افراد مونث در به یاد آوردن جای قرار گرفتن چیزها بهتر هستند."

زنان و افراد ماده سایر گونه‌های جانوری با احتمال بیشتری راهیابی‌شان را بیشتر بر اساس نقاط شاخص انجام می‌دهند تا چهار جهت اصلی.

البته به گفته هلیپن می‌توان از هر دو شیوه هم برای جهت‌یابی استفاده کرد و اشاره می‌کند که این مهارت‌های متفاوت به معنای آن نیست که میزان متفاوت هوش مردان و زنان نیست. او می‌گوید: "او جنسیت باهوش‌تری وجود ندارد."

به طور کلی از میان آزمون‌های گوناگون، به نظر می‌رسد تفاوت‌ها به خصوص در دو طرف دو دامنه‌های توزیع خود را نشان می‌دهند، یعنی جاهایی که شمار بیشتری از افراد در یک مهارت یا خیلی خوب عمل می‌کنند یا خیلی بد عمل می‌کنند.

تفاوت‌های ثابت‌نشده

گزارش‌های بیش از حدی درباره بهتر بودن پسرها نسبت به دخترها در ریاضیات، و بهتر بودن دخترها در خواندن و نوشتن وجود دارد. اما در واقعیت، میزان این تفاوت وابسته به پس‌زمینه است.

به گفته هلپرن بر اساس پژوهش‌های انجام شده در آمریکا دختران در مدارس در "همه" موضوعات درسی از پسران نمره بهتری می‌گیرند، گرچه این تفاوت در یک مقیاس چهار نمره‌ای، تنها به اندازه یک چهارم نمره است. از طرف دیگر پسران در آزمون‌هایی که متمرکز بر موضوعات خارج از برنامه درسی مدرسه‌شان است، نمره بهتری می‌گیرند.

اما این که علت این تفاوت چیست، آیا مدارس سوگیری بر ضد پسران دارند، آزمون‌های استاندارد شده بر ضد دختران است، یا اصلاً موضوع چیز دیگری است، همچنان بدون پاسخ مانده است.

به هر حال جامعه نقش بزرگی را ایفا می‌کند- نقشی که همیشه نتایج مورد انتظار را به بار نمی‌آورد.

هلپرن می‌گوید در جوامع با برابری جنسیتی بیشتر "برتری‌های مردان در ریاضیات تقریباً ناپدید می‌شود"، اما سایر تفاوت‌ها افزایش پیدا می‌کنند. هنگامی فرصت و تشویق برابر برای تحصیل پسران و دختران وجود دارد، به طور میانگین دختران حتی بیشتر نسبت به پسران در مهارت‌های خواندن و پسران حتی بیشتر نسبت به دختران در مهارت‌های دیداری- فضایی پیش می‌افتند.

اقتصاد هم در این تفاوت دخیل است. هلپرن می‌گوید: "فقیر بودن برای رشد شناختی هیچ کسی خوب نیست."

در حالیکه در کشورهای فقیر این عامل ممکن است همچنان در عقب افتادن دختران از پسران دخیل باشد، اما در کشورهای توسعه‌یافته هم به نوعی دیگر صادق است. هلپرن توضیح می‌دهد که در حالیکه شمار زنان نسبت به مردان در کالج‌های آمریکا بیشتر است، عمدتاً مردان از اقشار اقتصادی- اجتماعی پایین‌تر هستند که نمی‌توانند فارغ‌التحصیل شوند.

از دست دادن استعداد

اما اگر هیچ جنسیتی باهوش‌تر از دیگری نیست، چرا در دوران بزرگسالی این همه تفاوت میان زنان و مردان به وجود می‌آید؟ چرا برای مثال بیش از 90 درصد از مدیران شرکت‌ها مرد هستند و بیش از 90 درصد منشی‌ها زن هستند؟

هلپرن می‌گوید مادامی که بیشترین میزان کارهای مراقبتی در خانواده از جمله مراقبت از کودکان و سالمندان بر عهده زنان است، آنها در پی مشاغل خواهند بود که مدت کمتری وقت‌شان را بگیرد.

به گفته او همچنین مسئله علاقه هم وجود دارد، به این معنا که بسیاری از زنان جوان خبر ندارند که داشتن شغلی برای مثال مهندسی می‌تواند شغلی "کمک‌کار" خانواده هم باشد.

هلپرن می‌گوید: "در جامعه ما نه تنها زنان با استعداد را در محیط‌های کاری از دست می‌دهیم، بلکه شمار زیادی از بررسی‌ها بر اهمیت "پدری کردن" برای کودکان تاکید کرده‌اند.

او می‌گوید: تا زمانی که برابری در خانه برقرار نشود، نمی‌توانید کاری باکیفیت هم داشته باشیم."